

سکوت

و داستان‌های دیگر

گیتا گرنی



کتابسرای تندیس

ISBN 978-600-182-067-0

PIR ۹۲ / ۶۶ ص ۸۱۳۹۰

۸۶۳/۳۳

۷۷۱۲۷-۱

گرکانی، گیتا  
سکوت و داستان‌های دیگر / گیتا گرکانی  
کتابسرای تندیس، ۱۳۹۱  
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات غیبه  
داستان‌های غارسی - قرن ۱۳

کتابخانه ملی ایران



تهران، خیابان ولی عصر، نرسیده به استاد مطهری، شماره ۱۹۷۷  
تلفن: ۸۸۸۹۱۲۹۱۷ - ۸۸۹۱۳۸۷۹ دفتر: دورنگار و تلفن: ۸۸۹۱۳۰۲۸ - ۸۸۹۱۳۰۸۱  
WWW.ketabsarayctandis.com E-mail: info@ketabsarayctandis.com

سکوت و داستان‌های دیگر

نویسنده: گیتا گرکانی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱

تیراژ: ۱۰۰۰

چاپ: غزال

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸۶۰۰۱۸۲۰۰۶۷-۰۰

ISBN:978-600-182-067-0

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

## فهرست

|     |                     |
|-----|---------------------|
| ۷   | مقدمه‌ی عمران صلاحی |
| ۱۱  | سکوت                |
| ۲۱  | سگ و گریه و قناری   |
| ۲۹  | سرگرمی              |
| ۳۷  | برهوت               |
| ۴۵  | روز موعود           |
| ۵۳  | پسرک و دریا         |
| ۵۹  | عطر مریم            |
| ۶۵  | اتاق ۴۱۲            |
| ۸۱  | جاده                |
| ۸۳  | بانو                |
| ۹۵  | رنگ‌ها              |
| ۱۰۳ | گلادیوس             |

|     |                         |
|-----|-------------------------|
| ۱۱۱ | تسیم عزیز.....          |
| ۱۱۵ | یک بعد از ظهر خوب ..... |
| ۱۲۹ | سه‌شنبه‌ها.....         |
| ۱۳۹ | شب سوم .....            |
| ۱۴۷ | و آن خانه.....          |
| ۱۵۷ | روشنک .....             |
| ۱۷۵ | سفر عجیب و .....        |

این نام را به خاطر بسپارید

من از داستان‌های این مجموعه خیلی خوشم آمده است. حالا می‌خواهم دلیش را بدانم. اگر چه خیلی از پدیده‌ها بی‌دلیل ریا هستند. افرادی را دیده‌ایم که وقتی لطیفه تعریف می‌کنند، خودشان بیشتر می‌خندند. این خنده اغلب تأثیر معکوس دارد و شنونده را نمی‌خنداند. برعکس، افرادی که خودشان نمی‌خندند، یا کمتر می‌خندند، بیشتر می‌توانند دیگران را بخندانند. در سینما بعضی از فیلم‌سازان برای اینکه بیننده را بترسانند، شکل‌های عجیب و غریب و به‌ظاهر ترسناک بر پرده نشان می‌دهند. اما این چشم‌های ورقلمبیده و دندان‌های تیز و شاخ‌های کج و ناخن‌های دراز، بیشتر باعث خنده تماشاگر می‌شود تا ترس او. در این میان ألفرد هیچکاک برای ایجاد هراس، به‌جای شکل‌های ترسناک، موقعیت‌های دلهره‌آور می‌آفریند.

نویسنده همچنین وضعیتی دارد. بعضی از نویسنده‌ها فکر می‌کنند اگر احساساتی بشنوند و با احساس بنویسند، بر احساس خوانند تأثیر بیشتری می‌گذارند. در حالی که کاملاً برعکس است.

خوشبختانه نویسنده داستان‌های این کتاب احساساتی نمی‌شود و با خونسردی تمام می‌نویسد. چنین آرامشی، هیجان ایجاد می‌کند. پشت سکون و سادگی نویسنده حرکت و حادثه پنهان است.

بورس می‌گوید هر اثر هنری پیش و بیش از هر چیز باید به مخاطب خود هیجان و لذت ببخشد. بخشی از این لذت برمی‌گردد به موضوعی که نویسنده انتخاب می‌کند و بخش اعظم آن برمی‌گردد به نحوه اجرای نویسنده.

از مضامین داستان‌ها چیزی نمی‌گوییم. بهتر است خود خواننده آن‌ها را بخواند و قضاوت کند. درست هم نیست برای کسی که می‌خواهد برود فیلمی را تماشا کند، داستان فیلم را تعریف کنیم. به قالب داستان‌ها می‌پردازیم. جامه‌ای که به زیبایی اندام مضمون را در بر می‌گیرد. یک خرده شاعرانه شد.

نویسنده گاهی نحو شکنی می‌کند. مثلاً به جای اینکه بنویسد «منتظر هیچ‌کس نبود»، می‌نویسد «منتظر هیچ‌کس بود» (نسیم عزیز).

گاهی تشبیهات بدیعی می‌آورد: «اما کوه‌های دو طرف جاده از برف پوشیده بودند. مثل خواب‌هایش «نسیم عزیز» گاهی عبارات زیبا بود: «هیچ‌کس توی آینه نیست» (بانو) و گاهی توصیف‌های جالب: آسمان آبی بود. آبی آبی. با چند تکه‌ابر سفید. ابرهایی که روی آسمان گلدوزی کرده بودند» (بانو) این توصیف چقدر با مضمون داستان پیوستگی دارد: گلدوزی و بانو.

گاهی کلام طنزآمیز دارد: «این گفت‌وگو در تمام صبح‌هایی که حلیمه خانم می‌آمد تکرار می‌شد. یعنی سه‌بار در هفته، ۱۲ بار در ماه، ۳۶ بار در هر فصل و ۱۴۴ بار در سال (بانو)».

یا: آقای وزیری ساعت پنج و دوازده دقیقه صبح بدون هیچ خبر قبلی مرد (روز موعود).

و گاهی تخیل طنزآمیز: «و صداها. صداها به اندازه نقاب‌ها آزار دهنده بودند. آرام شروع می‌شدند. کم‌کم اوج می‌گرفتند. به سقف می‌رسیدند. سقف را سوراخ

می‌کردند. سقف خانه مشبک می‌شد. بانو هر لحظه فکر می‌کرد ممکن است تمام خانه بر سرش آوار بود. اتاق پر می‌شد از کلمات. کلماتی که در هوا معلق بودند. کلماتی که روی سینه بانو فشار می‌آوردند و تنفسش را دشوار می‌کردند... (بانو). گاهی موقعیت طنز ایجاد می‌کند: «یک بار دیگر تمام کارد و چنگال‌ها را بی‌دلیل با دستمال پاک کرد و لکه‌هایی را که وجود نداشتند از بین برد.»

این طنز گاهی با هراس در می‌آمیزد و فضایی کابوس‌وار ایجاد می‌کنند. مثل بعضی از کارهای هدایت، کافکا، ساعدی، چخوف و گارسیا مارکز. در داستان اتاق ۴۱۲ زن و مردی در هتلی هر دو یک اتاق را رزو کرده‌اند. فضای وهم‌آلود هتل دلهره‌آور است. در داستان گلا دیوس این طنز کابوس‌وار تکرار می‌شود: «جهانی که خالقش آن را نیمه‌کاره رها کرده رفته بود. برای چنین خیابان‌ها، خیابان بودند و پنجره‌ها، پنجره بودند و آپارتمان‌ها، آپارتمان بودند و نبودند و درها، در بودند و نبودند و پنجره‌ها، پنجره بودند و نبودند» (گلا دیوس) نویسنده نگاهی طنزآمیز به جهان و انسان دارد. این طنز گاهی آشکار است و گاهی پنهان.

از همه این‌ها که بگذریم، نویسنده نثری پاک و چالاک دارد. با همین نثر ورزیده به بیان تنهایی و بی‌پناهی انسان معاصر در دنیایی وهم‌آلود و هراسناک می‌پردازد.

با این همه، هنوز من نتوانسته‌ام بفهمم که چرا از این داستان‌ها خوشم آمده است. اگر علتش را پیدا کردم، شما را هم در جریان خواهم گذاشت. اصلاً بی‌خیال این حرف‌ها. داستان‌ها خودشان، خودشان را تعریف می‌کنند. راستی یادم رفت نویسنده را معرفی کنم. گیتا گرکانی. این نام را به خاطر بسپارید. نه به عنوان مترجم (که جای خود دارد)، بلکه به عنوان نویسنده خلاق، اگر کمی مثل آگهی‌های تجاری شد، می‌بخشید!